

به نام خدای مهربان

لحظه‌های سحرآمیز

حتماً تو هم مثل میلیون‌ها ایرانی کشتی‌های جام جهانی امسال را دیده‌ای و از جنگندگی و دلاوری پهلوانان ایران زمین لذت کافی و وافی برده‌ای. در کنار اشک‌ها و لبخندهای مسابقه‌های امسال، نکته مهمی به چشم می‌آمد که در مسابقه‌های سال‌های گذشته کمتر شاهد آن بودیم. جنگندگی و تلاش بی‌نظیر کشتی‌گیرانمان تا لحظه‌های پایانی مسابقه‌ها نکته‌ای است که می‌خواهم درباره آن صحبت کنم. به راستی راز آن موفقیت‌ها چه بود؟

در بعضی از کشتی‌ها تا ۲۰ ثانیه مانده به پایان مسابقه کشتی‌گیر ما بازنده مسابقه بود. اما حس سخت‌کوشی و از پای ننشستن و باورداشتن به توانایی‌های خود باعث می‌شد ورزش کار ما تا آخرین ثانیه کشتی، مبارزه را رها نکند و بدین ترتیب مسابقه را به سود خود به پایان برساند. آری فرقی نمی‌کند آغاز مسابقه باشد یا پایانش، بذر امید نه وقت می‌شناسد، نه موقعیت، نه سن و سال. هر وقت بکاری‌اش، شبیه لوبیای سحرآمیز، با اولین طلوع آفتاب خواستن و تلاش، جوانه می‌زند و تا آسمان موفقیت و توانستن اوج می‌گیرد.

دوست من! برای هر انسانی، داشتن احساس

خوشبختی و رضایت خاطر

و دوری از کسالت، داشتن

زندگی فعال همراه با امید

است. مسیر زندگی مسیری

است که همه انسان‌ها باید

طی کنند. زندگی هم بدون

مشکل وجود خارجی ندارد. منتها برخورد

افراد با مشکلات متفاوت و متغیر است. شک ندارم تو از آن

دسته از بچه‌هایی هستی که هیچگاه و در هیچ لحظه‌ای

ناامید نمی‌شوند. به قول معروف: «در ناامیدی بسی امید

است!»

در پایان، حدیث امیدبخشی برایت می‌آورم تا همه ما بدانیم،

وقتی خدا را داریم، دیگر در زندگی نباید هیچ غمی ما را از

پای در بیاورد. خدای مهربان در حدیثی قدسی می‌فرماید:

«بنده من، گمان مبر که من تو را در سختی‌ها رها می‌کنم.

من خود نگهبان آرزوهای بندگانم هستم.» (اصول کافی، ج ۲)

آری، تا دیر نشده باید با توکل به خدا بذرهای جادویی

امید را بکاریم تا در لحظه‌لحظه زندگی معجزه‌های آن

را درو کنیم.

علی‌اصغر جعفریان

